

انتخابات مجلس هشتم، نتایج و پی‌آمدها

زیر سؤال رفته است. بر اساس آمار دیگری که باز از سوی منابع رسمی جمهوری اسلامی منتشر شده است، میزان مشارکت مردم در سراسر کشور کمی بیش از ۵۰ درصد و در تهران حدود ۳۰ درصد بوده است. اگر دخالت‌ها و تقلباتی که خود حکومتیان به آن اذعان دارند و از آن شاکی‌اند را در این آمار منظور کنیم، میزان مشارکت مردم در انتخابات، باز هم کمتر خواهد بود.

میزان مشارکت مردم در مقیاس کل کشور، با تمام اهمیتش، موضوع این نوشته نیست، آگاهانه از آن در می‌گذرم و برای پیگیری بحث خود، فرض را بر درستی این آمار می‌گیرم. با چنین فرضی باز نمی‌توان مشارکت و یا تحریم انتخابات را برای مشروعیت سیاسی نظام کافی دانست. خطای تاکتونی این بود که معیار برای مشروعیت سیاسی نظام با مشارکت عددی افراد جامعه سنجیده می‌شد و هنوز هم می‌شود. با چنین فکری، طی سال‌های گذشته، میزان درصد تحریم یا مشارکت مردم در انتخابات، نقطه ستیز و کانون درگیری حکومت و اپوزیسیون بوده است. تلاش حکومت این بوده است که درصد مشارکت را بالا و اپوزیسیون کوشیده است غیر واقعی بودن آن را نشان دهد. حکومت و اپوزیسیون هر دو با میزان آرای شرکت‌کنندگان، حکومت را مشروع و یا نامشروع تلقی می‌کرده‌اند. شکی نیست که میزان مشارکت مردم و تعداد آرای آنها بسیار مهم است. اما درصد مشارکت مردم به‌طور کلی و در مقیاس کل کشور، معیار درستی برای سنجش مشروعیت سیاسی حکومت نیست. مشروعیت سیاسی حکومت، با آرائی سنجیده می‌شود که در آن عنصر آگاهی و جهت‌گیری سیاسی رای دهنده مشهود باشد. این راهم حکومت قبول دارد و هم اپوزیسیون آن را درست می‌داند. اما در گفته‌ها و نوشته‌ها کمتر روی آن مکث می‌شود. این موضوع را توضیح می‌دهم: انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در ایران، یک حرکت سیاسی است. از این رو پیش از هر چیز باید توجه نمود که کدام بخش از مردم و کدام لایه‌های اجتماعی، شرکت در انتخابات را سیاسی می‌بینند و با این نگاه در انتخابات شرکت کرده و یا آن را تحریم می‌کنند. مردم عمدتاً در شهرها، بویژه شهرهای بزرگ، با موضوع انتخابات سیاسی برخورد می‌کنند.

پیش از این نوشته‌ام که در جمهوری اسلامی تقلب به سبک و سیاق رایج، چهره اصلی انتخابات را نمی‌ساخته است. تقلب در انتخابات، بیشتر به صورت دخالت انجام می‌گرفته است. جناح مسلط حکومت عمدتاً با پول و زور خود و با تشکیلات و رسانه‌های انحصاری خود، دخالت می‌کرده و دخالت می‌کند. اما این خصوصیت از انتخابات نهم ریاست جمهوری به این سو، دستخوش تغییر شده است. به‌گونه‌ای که در انتخابات مجلس هشتم، تقلب به صورت دستکاری در آراء، چنان ابعاد گسترده‌ای به خود گرفت که حتی سران و مسئولان اصلی وفادار به نظام، در صف شاکیان، به اعتراض ایستاده‌اند. گام نهادن حکومت در این مسیر، بسیار طبیعی بود. چون تا پیش از نهمین انتخابات ریاست جمهوری، هر چند که اپوزیسیون و حتی معترضان رادیکال نظام اجازه حضور نداشتند، اما رقابت بین جناح‌های حکومت جدی بود. در نتیجه، آنها با نظارت بر انتخابات، امکان دستبرد در آراء را دشوار می‌کردند. با حذف اکثر نیروهای اصلاح طلب، امکان نظارت آنها از بین رفت. به‌گونه‌ای که حداقل در تهران، اجازه حضور و نظارت بر صندوق‌ها را نداشتند و این، راه را بر تقلب در انتخابات کاملاً گشود. افزون بر این، از یک سو حکومت نیازمند مشارکت مردم در انتخابات است تا با آن کسب مشروعیت کند و از سوی دیگر، حذف رقبای در این ابعاد و فرمایشی شدن انتخابات بر میزان مشارکت مردم تأثیر منفی بر جای می‌گذارد. این تناقض، میل به تقلب برای بالا نشان دادن آمار شرکت‌کنندگان در انتخابات را تشدید می‌کند. از این رو، تقلب به صورت دست بردن در آراء نیز، یکی دیگر از ویژه‌گی‌هایی است که از این پس باید به خصوصیات انتخابات در جمهوری اسلامی افزوده شود.

معیار مشروعیت چیست؟

واکنش مردم نسبت به انتخابات مجلس هشتم چگونه بود؟ انتخابات تحریم شد و یا مردم مشارکت کردند؟ رابطه شرکت مردم در انتخابات و یا تحریم آن با مشروعیت سیاسی نظام، چگونه است؟ در جمهوری اسلامی منبع رسمی و قابل اعتمادی وجود ندارد. تنها منبع ما حکومت است که میزان مشارکت مردم را به طور کلی ۶۰ درصد اعلام نموده است. در تهران، میزان مشارکت حدود ۴۰ درصد اعلام شده است. این آمار توسط منابع دیگر حکومتی

در روستاها و مناطق کم جمعیت و کوچک چنین نیست. مسائل دیگری عمل می‌کند و بسته به سازماندهی حکومت، مشارکت کم و زیاد می‌شود. یعنی در این مناطق که عنصر آگاهی ضعیف است، هر حکومتی، متناسب با سازماندهی خود، حدوداً مجموعه کم و بیش یکسانی را به پای صندوق‌های رای می‌کشاند. با توجه به این مساله، شرکت این بخش از مردم را، نباید در آمار برای مشروعیت دادن به حکومت منظور کرد.

سرمداران اصلی حکومت، از خامنه‌ای گرفته تا رفسنجانی و از خاتمی تا کروبی، انتخابات را یک حرکت سیاسی می‌دانند و از شرکت یا عدم شرکت در انتخابات، مشروعیت و حقانیت حکومت را نتیجه می‌گیرند. حتی اصلاح‌طلبان با وجود این که به افراد شاخص‌شان، اجازه شرکت در انتخابات داده نشده است، چون نظام را از خود می‌دانند و خود را برای نظام، در انتخابات شرکت می‌کنند تا مشروعیت نظام زیر سؤال نرود. بنا بر این، از دید گرایش‌های مختلف حکومت، لازم است واکنش کسانی مد نظر قرار گیرد که با انتخابات سیاسی برخورد می‌کنند. گرچه مقامات رژیم از مشارکت کسانی که خود به پای صندوق‌ها کشانده‌اند، سوء استفاده می‌کنند و آن را به رخ مردم ایران و جهان می‌کشند، اما بسیار بعید است ندانند که رای این نیرو را هر حکومتی تا آستانه سقوط می‌تواند با خود داشته باشد. برای ارزیابی حکومت از قدرت خود و میزان نفوذش در میان مردم، رای کسانی اهمیت دارد که برای شرکت یا عدم شرکت در انتخابات فکر می‌کنند و از رای خود با هدف تقویت و یا تضعیف برنامه‌ها و سیاست‌های این یا آن جریان استفاده می‌کنند.

اپوزیسیون حکومت نیز انتخابات را یک حرکت سیاسی می‌داند و با طرح فراخوان‌های خود یک سیاست معین را دنبال می‌کند. اپوزیسیون ممکن است از انتخابات تجزیه و تحلیل دقیقی نکند، اما در سیاسی دانستن آن تردید ندارد. از این رو از عدم مشارکت مردم، عدم مشروعیت حکومت را می‌فهمد. با این توضیحات شرکت مردم در شهرها و بویژه شهرهای بزرگ، هم برای حکومت مهم است و هم برای اپوزیسیون. این نیرو است که به دلیل نقشی که در تغییر و تحولات جامعه می‌آفریند، حضورش در کنار حکومت و یا در برابر آن، پر اهمیت می‌شود. جلب این نیرو و سازمان دادن آن، بسیار مهم است. بدین جهت برای مشروعیت حکومت نباید فقط به میزان شرکت مردم در انتخابات یا تحریم آن، اکتفا کرد. < صفحه ۵

صفحه ۴ <

اما همانگونه که رای همه شرکت کنندگان در انتخابات را نباید رای مثبت به حکومت تلقی نمود، آرای تمام تحریمیان را نیز نمی توان همراهی با اپوزیسیون مدافع تحریم دانست. بین رابطه شرکت کنندگان در انتخابات و تحریمیان با حکومت، تفاوتی وجود دارد. تحریم کنندگان عموماً حکومت را قبول ندارند و یا حداقل با حکومت موافق نیستند. در حالی که شرکت در انتخابات الزاماً به معنای تأیید حکومت نیست. مشارکت در انتخابات می تواند دلایل مختلفی داشته باشد. در حکومت های غیر دموکراتیک و استبدادی، همیشه آمار موافقان و شرکت کنندگان بسیار بالاست. اساساً نفس غیر دموکراتیک بودن انتخابات خود به تنهایی قاطع ترین و مستدل ترین دلیلی است که حکم بر نامشروع بودن انتخابات و باطل اعلام کردن آمار شرکت کنندگان می دهد. بنابر این، مشارکت در انتخابات، برای حکومت های غیردموکراتیک مشروعیت نمی آورد، اما عدم مشارکت، رای منفی به حکومت است و نشان از عدم مشروعیت آن می دهد. از این رو، این حکم که اکثریت مردم در انتخابات مجلس هشتم، رای به عدم مشروعیت حکومت دادند، حکم نادرستی نیست.

نتایج شرکت در انتخابات:

نیروهائی که دعوت به شرکت در انتخابات کرده اند، در مجموع از سه زاویه شرکت در انتخابات را توجیه می کنند.

گروهی از افراد، شرکت در انتخابات را برای تعمیق دموکراسی و برای نهادینه کردن اشکال دموکراتیک مبارزه و استفاده از حق رای، مورد تأکید قرار می دهند. اشکال اصلی این فکر این است که باور کرده است که آنچه در جمهوری اسلامی برگزار می شود، انتخابات است. انتخابات مختصاتی دارد. هر رای گیری را نمی توان انتخابات نام گذاشت. در رای گیری مجلس هشتم، نه حق انتخاب شدن وجود داشت و طبعاً، نه حق انتخاب کردن. شرایط انتخابات یعنی آزادی احزاب و مطبوعات هم وجود نداشت. حتی از حداقل رقابت بین جناح های مختلف حکومت، که سیاست های مختلفی دارند نیز، خبری نبود. بنابراین، اگر استفاده از حق رای محترم است، در صورتی که مردم نماینده مورد قبولی را در میان نامزدها نیافتند، آیا حق دارند رای خود را به هیچ کس ندهند؟ به نظر می رسد مدافعان استفاده از حق رای، استفاده از این حق را مشروط به شرکت در انتخابات فرمایشی مجلس هشتم کرده اند. روشن نیست اگر فردا در انتخابات ریاست جمهوری فقط لاریجانی و احمدی نژاد را در برابر ما

قرار دهند، چه باید کرد و از این حق چگونه باید بهره گرفت؟ اساساً چرا باید حق رای خود را خرج مشروعیت دادن به حکومتی نامشروع کرد؟

اصلاح طلبان حکومتی برای شرکت در انتخابات مجلس هشتم دلایل دیگری دارند. آنها در نظر داشتند بازی جناح مسلط را به هم بزنند. این نظر در بیانیه جبهه مشارکت ایران اسلامی چنین بیان شده است:

«جناح حاکم ... پیشاپیش تکلیف بیش از ۱۶۰ کرسی مجلس را روشن کرده و در اختیار همفکران جناحی خود قرار دادند که در مواجهه با این شرایط ائتلاف اصلاح طلبان با اتخاذ موضع ابتکاری و فعالانه «حضور معترضانه» در انتخابات و دعوت به مشارکت در حوزه های قابل رقابت با ارائه فهرستی از نامزدهای باقی مانده اصلاح طلب با هدف دستیابی به یک اقلیت قوی در مجلس هشتم بازی اقتدارگرایان را که در پی حذف کامل یک جناح از انتخابات و زمینه سازی جهت حذف آنان از عرصه فعالیت های سیاسی در آینده بودند، بر هم زد و به طور فعال وارد عرصه مبارزات انتخاباتی در یک انتخابات غیر آزاد و ناعادلانه و نیمه رقابتی شد.»

ایراد اصلی اصلاح طلبان در رابطه با انتخابات، این است که آنها انتخابات را زمانی آزاد می دانند که خودشان بتوانند در آن شرکت کنند. چشم آنها فقط دو جناح را می بیند و به رسمیت می شناسد. اگر سایر نیروها حذف شدند، لیبی به اعتراضی گشوده نمی شود.

اصلاح طلبان تا کنون این گونه تبلیغ کرده اند که جناح مسلط و رهبر جمهوری اسلامی خواهان تحریم انتخابات و عدم شرکت مردم هستند. از این رو از همه خواسته اند تا با شرکت در انتخابات، بازی جناح مسلط حکومت را به هم بریزند. در استدلال اصلاح طلبان روشن نیست که چرا دستگاه ولایت فقیه میل به تحریم کرده است. مگر در همین بیانیه گفته نشده است تکلیف اکثریت کرسی ها، یعنی ۱۶۰ کرسی، قبل از انتخابات روشن شده است، مگر تیغ حذف کردن بقیه از جمله نیروهای شاخص اصلاح طلبان را نبریده است، بنابراین ترس رهبر و جناح مسلط از مشارکت مردم چیست؟ شکی نیست مشارکت مردم در انتخابات غیردموکراتیک، برای حکومت اعتبار چندانی کسب نمی کند، اما بدون تردید تحریم انتخابات، جز بی حیثیتی نتیجه ای برای حکومت به بار نمی آورد.

واقعیت این است که اصلاح طلبان از میزان نفرت مردم از جناح مسلط آگاهند و این را برای چنگ انداختن به قدرت برای خود کافی می دانند. بجای درس گیری از ۸ سال در قدرت

بودن و تصحیح خود، می خواهند مردم هر چه وسیع تر در انتخابات شرکت کنند، تا نفرت از جناح مسلط را پشتوانه کسب کرسی برای خود کنند.

اصلاح طلبان با شرکت در انتخابات بازی را به هم نزدند، در بازی جناح مسلط شرکت کرده سوخت انتخابات آنها را تامین کردند. آنها با شرکت در این انتخابات، ظرفیت اعتراضی و مقابله جویانه خود را برای انتخابات آینده رئیس جمهوری روشن کردند. آنها می گویند که اقلیت نیرومندی تشکیل داده اند تا مجلس یک صدائی نشود و صدائی هم در دفاع از مردم، بلند شود. بسیار خوب، مگر امروز مدعی نیستند که تقرب شده است. در برابر این راهزنی آراء، چه واکنشی نشان دادند؟ مگر نمی گویند آرای آنها را نשמوده اند؟ چه اعتراضی را سازمان دادند؟ جریانی که توان و جریزه دفاع از حقوق خود را ندارد، چگونه می خواهد مدافع منافع مردم شود؟

سومین گروه از دعوت کنندگان به مشارکت در انتخابات، نیروهای سکولاری هستند که از انتخابات آزاد دفاع می کنند. این گروه در فراخوانی از مردم دعوت کردند: «که در روز ۲۴ اسفند در هر یک از حوزه های انتخابات که امکان رقابت جدی میان نامزدها وجود دارد، حاضر شده و رای خود را به سود کسانی به صندوق بریزند که از حق همگان برای برخوردار شدن از حقوق بشر، از جمله حق شرکت در انتخابات آزاد، سالم، عادلانه و رقابتی دفاع می کنند؛ به نظارت استصوابی معترض و خواستار لغو آن هستند؛ به کسانی رای دهند که خود را به متحقق کردن «شعار ایران برای همه ایرانیان» متعهد و وفادار می دانند.»

زاویه دعوت این نیرو برای شرکت در انتخابات، با اصلاح طلبان حکومتی متفاوت است. اصلاح طلبان حکومتی به انتخابات آزاد باور ندارند، اما امضا کنندگان این بیانیه این گونه نمی اندیشند. در حالی که در نظر از انتخابات آزاد دفاع می کنند، در عمل، دنباله اصلاح طلبانی شده اند که دفتر اعمالشان به روی مردم گشوده است. دعوت کنندگان به شرکت در انتخابات باید بگویند که نتیجه دعوتشان به کجا کشید. آن شروط طرح شده در بیانیه را چرا خود جدی نگرفتند. کدام نامزد در بین همه داوطلبان وجود داشت که با شرایط ذکر شده در بیانیه همراه بود؟

اکنون در دور نخست انتخابات، تکلیف مجلس هشتم تقریباً روشن شده است. کسانی که دعوت به مشارکت کردند، موظفاند مردم را از نتیجه دعوت خود آگاه کنند. < صفحه ۶

صفحه ۵ <

بخشی از مدافعان مشارکت، به انتخابات آزاد باور ندارند. روی سخن با آن بخشی است که انتخابات آزاد را قبول دارند. اینان موظفاند توضیح دهند که فراخوان به شرکت در انتخاباتی غیر دموکراتیک و فرمایشی چه سودی برای مردم در بر داشت. چه ضربه‌ای به حکومت نامشروع زد و چگونه ایده انتخابات آزاد را تقویت نمود. مدافعان شرکت در انتخابات، به سهم خود، سیاست‌اپوزیسیون مدافع انتخابات آزاد را با ایجاد شکاف در آن، زیر ضرب برده و تضعیف کردند. در بهترین حالت با بخشی از نامزدهای اصلاح طلب همراه شدند که حتی در دفاع از حق خود نیز ناتوانند. آنان تسلیم سیاست دستگاه ولایت شدند تا در انتخابات بعدی نیز یک تازی کنند. و بالاخره، با تن دادن به وضع موجود، روحیه مردم را در مبارزه علیه استبداد تضعیف کردند.

سئوال و انتقاد بویژه متوجه فراخوان دهندگان در خارج کشور است. اینان در شرایط اوج گیری صدای اعتراض به فرمایشی بودن انتخابات، با انتشار بیانیه‌ای، از طرفی، دنباله رو اصلاح طلبان داخل برای گرم کردن تنور انتخابات کاملاً فرمایشی شدند و از طرف دیگر، به حکومت نشان دادند که مرد ثابت قدم شرکت در انتخابات فرمایشی هستند.

نتایج تحریم:

جریان‌ات مدافع تحریم و عدم شرکت در انتخابات مجلس هشتم، هم بسیار گسترده‌تر و وسیع‌تر ظاهر شدند و هم بخش قابل توجهی از آنان در کنار تحریم انتخابات، شعار اثباتی دفاع از انتخابات آزاد را طرح و تبلیغ کردند. هر چند این نیرو نتوانست به شکل شایسته صدای خود را هماهنگ و پرتین نماید، اما نزدیکی و هارمونی آهنگ تحریم، در حدی اثرگذار شد و از میزان مشارکت در انتخابات کاست. نتیجه این سیاست را روی سه بازیگر اصلی سازنده انتخابات، یعنی حکومت، مردم و اپوزیسیون می‌توان نشان داد.

اگر هیچ کس نداند دستگاه ولایت می‌داند که نتیجه واقعی مشارکت در شهرها چگونه بوده است. حکومت از بسیج مردم در روستاها می‌تواند برای بالا بردن آمار میزان مشارکت مردم در انتخابات استفاده کند، اما خود بهتر می‌داند سرنوشت جامعه در شهرها رقم می‌خورد. مشارکت ۳۰ درصدی مردم در تهران، بسیار تعیین کننده و نشان از انزوای حکومت دارد. این حد از مشارکت، برای نیروئی که در قدرت است و پول و زور و تشکیلات و رسانه‌های انحصاری را در چنگ دارد، ضربه سنگینی است. عدم مشارکت مردم باعث می‌شود حکومت خود را منزوی

حس کند و برای سرکوب با تردید عمل کند. تحریم حتی روی اصلاح طلبان هم اثر دارد. آنها از سوئی در جریان درگیری خود با جناح مسلط، آنان را از واکنش مردم می‌ترسانند تا از سرعت تهاجم آنها بکاهند. از سوی دیگر مجبورند خود را با نارضائی مردم هماهنگ کرده و به خواسته‌هایشان بیشتر توجه کنند. به گمان من، حتی رفسنجانی "میانه رو" را عمدتاً سیلی مردم در انتخابات مجلس ششم به این مسیر کشاند.

تحریم انتخابات همانگونه که حکومت را دستخوش ترس و تردید می‌کند، روحیه اپوزیسیون را بالا برده، دردل مردم بذر امید می‌نشانند. تحریم روحیه تهاجم به استبداد را بالا برده و انرژی برای پیشرفت جنبش مردم تولید می‌نماید. از این بستر مناسب، هم می‌توان به سود تقویت جنبش مردم بهره گرفت و هم می‌توان فرصت را از دست داد و به موضوعات دیگری پرداخت. اپوزیسیون آزادیخواه نیازمند است با حرکتی یک پارچه ضمن افشای این حکومت نامشروع، پرچم انتخابات آزاد را بلند کرده و زمین نگذارد. انتخابات مجلس هشتم بزودی تمام می‌شود، اما انتخابات ریاست جمهوری در راه است. انتخابات آزاد وسیله‌ای است دموکراتیک که امکان انتقال مسالمت‌آمیز قدرت را فراهم می‌کند. شکی نیست حکومت جمهوری اسلامی و رهبر آن علی خامنه‌ای، بیش از هر چیز از انتخابات آزاد می‌ترسند. ادعای مردمی بودن جمهوری اسلامی هم، دروغی است که بیش از همه سران این رژیم بدان واقفند، وگر نه از آن نمی‌هراسیدند. این دروغ حکومت را باید افشا و خنثی کرد و برای انتخابات آزاد به جمع آوری قوا پرداخت. جمهوری اسلامی تا بتواند در برابر انتخابات آزاد ایستادگی خواهد کرد. اما جنبش مردم از چنان قدرتی برخوردار است که اگر اوج گیرد هیچ کس را یارای مقاومت در برابرش نخواهد بود.

تا کنون در باره انتخابات آزاد زیاد گفته و نوشته‌ایم. فکر می‌کنم با گذشت زمان این شعار هر چه بیشتر ملموس شده و در داخل کشور می‌تواند نیرو جمع آوری کند. اپوزیسیون با گرفتن این حلقه و طرح و تبلیغ آن می‌تواند در داخل، وسیع‌ترین نیرو را بسیج کرده، جنبشی حول آن ایجاد کند و در خارج، حمایت نهادهای دموکراتیک بین‌المللی را جلب نماید. این شدنی است اگر آزادیخواهان همراه و همزبان شوند.

چشم انداز چیست؟

جمهوری اسلامی در رویای حکومتی یکدست است. برای دستیابی به این آرزو، هر روزه گروهی را از صفوف خود به بیرون می‌راند، اما باز در درون حکومت مخالفی زاده می‌شود. اساساً در جهان امروز هیچ حکومت

یک دستی وجود ندارد و نمی‌تواند وجود داشته باشد. جمهوری اسلامی از این نظر استثنای نیست. هر چند که ابعاد اختلاف در جمهوری اسلامی، به دلیل تناقض عمیقی که با واقعیت دارد، بسیار وسیع است، اما وسعت این اختلاف، باز پدیده منحصر به فردی نیست. آنچه که این حکومت را ویژه کرده است، شیوه برخورد با این اختلافات است. در جمهوری اسلامی به دلیل حاکمیت شیوه‌های غیردموکراتیک و استبدادی، اختلافات بجای یافتن راه حل، بیشتر به عمق رفته به اشکال توطئه آمیز با یکدیگر روبرو می‌شوند. از این رو در این حکومت همواره با تصفیه در راس هرم روبرو بوده‌ایم. این حکومت در حالی که عناصری از افکار و ارزش‌های عهد عتیق را حمل می‌کند، بر مردمی حکومت می‌کند که در دنیای امروز زندگی می‌کنند. طی دو دهه اخیر مردم ما بسیار پیش آمده‌اند، اما حکومت عقب رفته است. این تناقض، هم یکی از دلایل درگیری حکومت با مردم است و هم، لایه‌های مختلف حکومت را به جان یکدیگر می‌اندازد. بنابراین، فکر یک حکومت یکدست در ایران، خواب و خیالی بیش نیست.

حکومت برای یکدست کردن خود، تیغ تصفیه را این بار بر گردن اصلاح طلبان نشانند و تقریباً تمامی افراد شاخص آنها را از رقابت در انتخابات مجلس کنار گذاشت. مجلس هشتم، هر چند به ظاهر توسط اصول‌گرایان تسخیر شده است، اما همین اصول‌گرایان به دلیل پشت گرمی که به جریان‌ات امنیتی- نظامی دارند، بسیار باتندی بیشتری بایکدیگر روبرو شده و روبرو خواهند شد. در مجلس آینده دولت احمدی نژاد بیشترین درگیری را با مجلس خواهد داشت. چون از سوئی بحران اقتصادی جامعه را تا پرتگاه سقوط پیش برده است و از سوی دیگر، در نتیجه همین بحران، مردم به شدت ناراضی‌اند و حرکات و جنبش‌های اعتراضی هرروز دامنه و وسعت بیشتری می‌گیرد. در این شرایط اعمال زور نیز جواب نخواهد داد. وضعیت بحرانی جامعه و رشد نارضایتی مردم می‌تواند اصلاح طلبان را برای گرفتن حقوق ضایع شده خود جسور نماید. به نظر می‌رسد در این دور، دولت احمدی نژاد هدف اصلی تهاجم اصلاح طلبان و بخشی از اصول‌گرایان در مجلس شود. در بیرون از مجلس نیز گسترش نارضایتی مردم و رشد جنبش‌ها، کشور ما را با آینده‌ای پرتلاطم روبرو خواهد نمود. اپوزیسیون آزادی‌خواه اگر نتواند خود را منسجم کرده به میدان آید، باز باید نظاره‌گر جابجائی و دست به دست شدن قدرت در بین جناح‌های حکومتی باشد. □